یادداشت

پیشگیری از اختلافات اقتصادی با شخص سوم

علی اعتمادی . کارشناس ارشد حقوق

● با توسعه گسترش معاملات در عصر حاضر با وجود سرعت ارتباطات شبکه‌های مجازی، شیوه و روش‌های خرید و فروش و معاملات نیز در جامعه تغییر یافته و بعضی افراد هم با نداشتن علم و تجربه درگیر و تجارت با فعالیت در این عرصه دچار مشکل شده و با اولین اختلاف با طرف معامله با شریک خود به مراکز انتظامی و قضایی مراجعه می‌کنند.

در ماده ۱۰ قانون مدنی آمده است: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، دررصورتی‌که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است». آزادیی‌که قوانین را برای مردم به‌منظور انجام معاملات آسان نگاشته‌اند تا افراد در کسب و تجارت به سختی نیفتند، همین سهل‌گیری سبب می‌شود عاملا افراد در لحظه عقد قرارداد دقت لازم را نکرده و فقط به منافع خود هنگام معامله توجه کنند و هر فرد با تصویربه‌راری از متن قراردادی که به‌صورت کلی نوشته شده، در زمان بروز اختلافات با طرف مقابل با مشکل مواجه شده و برای حل اختلاف به مراکز قضائی مراجعه کند، به همین علت است اکنون شاهد کثرت مراجعات مردم و پرونده‌های حقوقی در دادسراها و دادگاه‌ها هستیم.

درحالی‌که خداوند متعال به این موضوع در بزرگ‌ترین آیه قرآن کریم پیرداخته و برای پیشگیری از اختلافات اقتصادی، راهکاری کاربردی برای افراد جامعه ارائه کرده است سوره بقره آیه۲۸۲ می‌فرماید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا تَدَایَنْتُمْ بِدَیْنٍ إِلَی أَجَلٍ مُسَمًّی فَاکْتُبُوهُ وَلْیَکْتُبْ بَیْنَکُمْ کَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا یَأْبَ کَاتِبٌ أَنْ یَکْتُبَ کَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْیَکْتُبْ وَلْیُمْلِلِ الَّذِی عَلَیْهِ الْحَقُّ وَلْیَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی‌که بدهی مدت‌دری به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای از روی عدالت در میان شما بنویسد و کسی که قدرت بر نوینسدگی دارد، نباید از نوشتن همان‌طورکه خدا به او تعلیم داده است، دریغ کند. پس باید بنویسد و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند و از خدا بترسید و چیزی را وفرگذار نکنید».

در آیه مذکور مسائل مالی به دو دسته تقسیم شده است:

۱- معاملات مدت‌دار (زمان‌دار) ۲- معاملات نقدی، در معاملات مدت‌دار، خداوند به مؤمنان توصیه به نوشتن «دین» می‌کند که دین هرگونه به‌دهکاری را خواه از طریق قرض‌گرفتن باشد یا معاملات نقدی مثل مبایعه، اجاره، صلح، خرید و فروش که یکی از دو طرف چیزی را بر عهده بگیرد، حال نکته بسیار مهم در این است که نوشتن توسط چه کسی انجام شود؟ توسط طلب‌کار، بدهکار یا شخص دیگر؟ در آیه مذکور موضوعی که بلافاصله بعد از توصیه به نوشتن بدهی آمده «کاتب بالعدل» است که باید نویسنده شخص سوم و عادل باشد. چون شخص سوم با اطلاع از خواسته و توقعات طرفین معاملات وقتی آن فرد که به دعی بر عهده است، قصد دور از این معامله به کاتب املا می‌کند، نویسنده یا اشراف به موضوع می‌تواند با عدالت قرارداد را بنویسد که بین آنها اختلافی پیشنهاد نیاید و خودش هم شاهد می‌شود و هم حاکم؛ یعنی اگر اختلافی به وجود آمد، به‌راحتی با رجوع به متن قراردادها اختلاف برطرف می‌شود و یا اگر یکی از طرفین اقدام به تفسیربه‌رای مواد قرارداد کرد، شخص سوم (کاتب بالعدل) به‌عنوان داور می‌تواند اعلام نظر کند و حکم او قطع‌الحکم و به‌منزله حکم قطعی در مراجع قضائی تلقی شود. قضل‌الحکم و به‌منزله حکم قطعی در مراجع قضائی تلقی شود. در معاملات نقدی، دادوستدی که به‌صورت دست‌به‌دست انجام می‌شود، به نوشتن نیاز ندارد، اما بهتر است هنگام خرید و فروش (نقدی) شاهد گرفته شود.

در نتیجه اگر مراکزی چه دولتی یا خصوصی به این مهم بپردازند یا اشخاصی این مسئولیت را بر عهده بگیرند تا نوشتن دون و قراردادها توسط شخص دیگر بین من و آینده شما کاهش و فرهنگ معاملاتی تبدیل شود، قطعا در آینده شاهد کاهش پرونده‌های حقوقی و مالی در مراکز قضائی خواهیم بود.

محاسن تنظیم قرارداد توسط شخص عادل.

۱- آشنایی متعاملین به وظایف و تعهدات خود

۲- کاهش مراجعات به مراکز انتظامی و قضائی

۳- شاهدداشتن ظرفیت قرارداد در زمان اختلاف

۴- شاهد و حاکوشدن شخص سوم (کاتب بالعدل)

۵- اجرائی‌شدن حکم نویسنده به عنوان داور در محاکم قضائی

۶- برقراری عدالت اجتماعی و رعایت حقوق بین افراد جامعه.

خبر

لبنان سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایران را متوقف کرد

● چند روز پیس از اعلام تصمیم شرکت ترکیه‌ای در توقف سوخت‌رسانی به هواپیماهای ایران در فرودگاه‌های این کشور، حالا شرکت لبنانی فعال در این زمینه نیز اعلام کرده که به ایرانی‌های ایرانی سوخت نخواهد داد. مقصود اسعدی‌سامانی، دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی، در گفت‌وگو با ایسنا، با تایید این خبر گفت: متاسفانه در روزهای گذشته صحبت‌هایی در این زمینه مطرح شد بود که در حال‌حاضر به مرحله اجرا رسیده است و فعلا ایرانی‌های ایرانی توان سوخت‌گیری در فرودگاه‌های لبنان را ندارند.

این تصمیم در حالی گرفته شده که لبنان در قیاس با ترکیه مقصد محدودتری برای مسافران ایرانی به شمار می‌رود هرچند پروازهای برنامه‌ای میان دو کشور در سال‌های گذشته همواره برقرار بوده است. دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی همچنین درباره آخرین وضعیت سوخت‌رسانی هواپیماهای ایرانی در ترکیه نیز گفت: متاسفانه با وجود انجام مذاکرات هنوز این مشکل حل نشده و ایرانی‌های ما نتوانسته‌اند در ترکیه سوخت مورد نیاز خود را دریافت کنند. به گفته وی، حتی زمانی که شرکت‌های ایرانی این پیشنهاد را ارائه کردند که سوخت مورد نیازشان را به شکل نقدی خریداری کنند نیز شرکت ترکیه‌ای از این موضوع خودداری کرده است. طبق پیش‌بینی کارشناسان، فقط بخشی از ناوگان ایران، توان آن را دارد که بتواند سوخت‌گیری میان ایران و ترکیه پرواز کند و بقیه هواپیماها مجبور خواهند بود که قبل از رسیدن به تهران در شهرهایی مانند تبریز یا ارومیه فرود آمده و سوخت‌گیری کنند. هفتگی ۲۰۰ پرواز برنامه‌ای میان ایران و ترکیه در جریان است و سالانه ۲.۵ میلیون مسافر ایرانی برای سفر وارد شهرهای مختلف ترکیه می‌شوند.

کارشناسان با پیشنهاد عرضه پیش‌فروش اوراق جایگزین فروش نفت در بورس انرژی مطرح کردند

شکست بورس‌های نفت سنتی در جهان

عکس: مهر

شرق: دور جدید راه‌اندازی بورس نفت، به مرحله دوم نیز رسید؛ اما کماکان صحبت‌نظران و کارشناسان حوزه نفت و بازار سرمایه، بر آن انتقادهای جدی وارد می‌کنند. آنها معتقدند زمینه‌سازی‌های لازم برای اجرائی‌شدن آن هنوز فراهم نشده و تجربه‌های مشابه در کشورهای اماراتی متحده عربی و سنگاپور نیز به شکست منتهی شده است. براساس این تاکید می‌کنند که این سعی و خطای دوباره، تنها منجر به تلف، رانت، کلاهبرداری و فساد خواهد شد و هشدار می‌دهند بایک زنجانی‌ها در انتظار جنگ‌زدن به نفت ایران هستند. این کارشناسان بخش خصوصی در جلسه‌ای با عنوان «پیشنهاد دولت برای عرضه نفت در بورس انرژی» که یک روز پیش از اولین عرضه نفت در بورس انرژی به همت فدراسیون نفت ایران برگزار شد، نظرات خود را به اشتراک گذاشتند. برخی از کارشناسان حاضر در این نشست، با نگاهی به تجربه ناموفق دور ۳۰سالهٔ راه‌اندازی بورس نفت و سابقه مبهم آن، معتقدند به جای عرضه نفت در بورس، باید پیش‌فروش اوراق نفت را در بازار ثانویه در دستور کار قرار داد.

تصمیمی مبتنی بر سعی و خطا

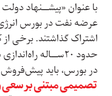

آقای رامین خسروخواه رئیس هیئت مدیره فدراسیون صنعت نفت ایران

جهان امروز ما به‌شدت درگیر تنهایی شده و همین موجب شده تا تصمیم‌هایی بگیریم که خارج از عرف و نُرم جهانی است. این تصمیم‌ها عمدتا بدون پشتوانه کارشناسی گرفته می‌شوند و این امر سبب شده علاوه بر تصمیم‌های مکرر و متعددی که می‌گیریم، محمل‌هایی را به نام مقررات‌زدایی یا تسهیل در شیوه کسب‌وکار ایجاد کنیم. بورس انرژی در سمینار باشگاه نفت و نیرو رونمایی شده و نخستین مرحله اجرائی آن انجام شده و مرحله دوم آن نیز به‌زودی به مرحله اجرا نزدیک می‌شود. در واقع باید دیگر روند مسیری می‌شویم که با سعی و خطا، مسائل را بررسی کرده و عرضه می‌کنیم. قطعا تصمیمی در بدنه دولت گرفته شده‌است و تاجایی‌که پرسوجو کرده‌ایم، نگاه کارشناسان غیردولتی قدرت‌بازده لحاظ نشده و نظرات کارشناسی آنها شنیده نشده است. این نگاه سعی و خطا را فقط در این زمینه لحاظ نکرده‌ایم و در بسیاری از موارد دیگر نیز، تصمیم‌های بسیاری را به این شکل به بوته آزمایش گذاشته‌ایم. ابهامات بورس انرژی فراوان است و تصمیم‌گیری‌ها حول محورهای اساسی آن تامنخطر نیست. به‌عنوان نمونه معلوم نیست چرا سازوکار ۲۰ درصد نفت و ۸۰ درصد اعتباری برای آن در نظر گرفته شده است. مسائل ارزی مربوط به آن یا چه نرخی و در چه فرایندی در نظر گرفته شده و شیوه بازگردانی از چگونه است. چرا دوره آزمایشی کوتاه‌مدت در نظر گرفته شده‌است و... آیا شرایط اقتصادی لزوم اجرائی‌شدن آن را تاکید کرده یا نگاه‌های سیاسی بر اجرائی‌شدن آن حاکم است. اینها سؤالاتی است که درباره این تصمیم، بین کارشناسان بخش خصوصی پدیده آمده است و هنوز پاسخ مشخصی برای آن داده نشده است.

جایگزینی پیش‌فروش اوراق نفت

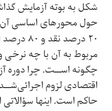

● آرش نجفی، عضو هیئت‌مدیره فدراسیون صنعت نفت ایران و نایب‌رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران

هر کار اقتصادی باید شیوه متعارف بازار خود را داشته باشد. هر کاری را که خارج از عرف تاریخ چند هزارساله بازار تعریف کنید، به چالش برمی‌خورید. در شرایط حاضر معنا ندارد که معاملات نفتی را بورسی داخلی کنیم. همین اکنون هم معاملات نفتی ایران در داخل کشور مدیریت نشده و خارج از کشور معامله می‌شود. رقم واقعی بازی‌های نفتی در خارج از کشور مشخص می‌شود. برای اوراق براساس ظرفیت تأمین سرمایه، دو، سه حاشیه تعریف کردیم؛ تأمین سرمایه پروژه‌های نیمه‌تمام وزارت نفت، توسعه نفتی وزارت نفت، تجمیع سرمایه‌ها و نقدینگی‌ها. جذب سرمایه‌های سرگردان و در نهایت فروش نفت.

قرار نبود این کالا در بورس معامله شود؛ زیرا خود نفت در بورس در حال معامله است. برای اوراق آن باید معاملات ثانویه دیده شود. در این معاملات ثانویه، بعد از اینکه اوراق احراز شد و قابلیت‌های آن شناخته شد، می‌تواند در بورس عرضه شود. براساس این اوراق پیش‌فروش نفتی را براساس نفتی که در چاه‌های نفت موجود است، تجارت کردیم؛ زیرا اوراق مدنظر سلف باشد تا وارد بازی‌های بورس شده، مزیت پیدا کرده و رونق پیدا کند.

از طرف دیگر اصول بازار باید رعایت شود. اصول نیز اعتبار بازار است. اعتبار فراوانی وجود دارد که تابه‌حال روی این اعتبار مدیریت نکرده‌ایم تا افزایش سرمایه ایجاد کنیم. یکی از اعتبارات، مخازن نفتی‌های نفتی است که با اشتخاص شده و ظرفیت‌های آن شناسایی شده؛ اما استخراج نشده است یا در حال استخراج است. چیزی در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه (بر پایه سال ۹۰) برای صنعت نفت ایران؛ اما نیاز داشتیم تا صنعت نفت ایران پایرجا بماند. یکی از مخاطرات این بود که چاه‌های نفت باید مرمت می‌شد و حوزه‌های جدید برای آن شناسایی و استخراج از این حوزه‌های جدید آغاز می‌شد. در اوراق نفتی دو، سه مدل را در نظر گرفتیم. اوراق را چندماهه تعریف کردیم. به‌این‌ترتیب خریدار نفت را پیش‌خرید می‌کند که برایش مزایا دارد. فرد می‌تواند نفت را پیش‌خرید کرده و به‌مرور پولش را بدهد. قرار ما این بوده که از محل تجمیع این سرمایه، پروژه نفتی و چاه‌های نفت فعال شود. تمام این اوراق طی شد، متن فارسی و انگلیسی آماده و مصوبات دولت هم تصویب شد. برای این اقدام، دو مصوبه با دو موضوع صادر شد. یکی از مزایایی که تعریف کردیم، این بود که این اوراق مدلی از پول تانویه برای مدیریت تهاتر باشند؛ یعنی در زمان‌هایی که می‌خواهیم از ظرفیت اوراق استفاده نکنیم یا تحریم‌ها را دور بزنیم، مقادیر مشخصی اوراق صادر می‌کنیم که پشتوانه‌اش نفت است. حال این اوراق را می‌دهیم و به جایش تجهیزات می‌گیریم.

در این مرحله بودیم که خبر رسید آقایی به نام بابک زنجانی (که تا آن زمان اسمش را نشنیده بودیم) قبل از اینکه ما وارد بحث اوراق شویم، نفت ایران را در چین و جاهای دیگر پیش‌فروش کرده. میعادات کازی و فرآورده‌های نفتی را در تانک‌فارم‌های کوئاکون در کشورهای مختلف دنیا، به‌خصوص در چین دیو کرده و وجهش را به کشور برنگردانده است. تعریف کرده بودیم که این معاملات نباید از سوی دولت صورت بگیرد یا باید از طریق بخش خصوصی باشد. نه به‌دلیل اینکه صادرکننده دولت است، بلکه به دلیل اینکه معاملات ثانویه و بازاریابی از سوی بخش خصوصی صورت گیرد. آن زمان درگیر تحریم چینی بودیم، بحث این بود که اتاق بازرگانی در نقاط مختلف دنیا دفاتری را تعریف کند مثل دفترخانه که به‌دبیرخانه‌های اوراق نفتی را ارائه‌کنند؛ اما شما برعکس عمل می‌کنید. دکتر حسینی که وزیر دارایی شد، گفت آقای احمدی‌نژاد گفته‌اند شما را دیگر به جلسات دعوت نکنیم. حاضر نبود صورت مسئله را بفهمد؛ بنابراین در جلسه اولی که با دوستان در شورای امنیت هستم، گفتم امنیت ملی ما در گرو کمبود سرمایه در نفت است. بنده اکنون هم معتقدم اگر می‌خواهیم راه‌حل پیدا کنیم، دلارهای زیادی در ایران در صندوق‌خانه‌ها هست. گفتند به این دلارها، نفت رفت بفروشیم. بنده گفتم نمی‌توانید نفت را بفروشید باید وعده نفت بدهید. زمانی‌که قیمت نفت ۱۵۰دلار بود، ۱۰۰دلار پیش‌فروش کردیم. گفتیم روزی که قرار است نفت را تحویل بگیرید اگر گران‌تر از این مبلغ به اضافه سالانه شش درصد بود، سود بردهاید اگر کمتر بود به شما مابه‌التفاوت را نفت می‌دهیم در حقیقت ۱۸درصد برای سه سال را تضمین کرده بودیم؛ درحالی‌که بحث سود ۲۴درصدی در سه سال مطرح بود. چنین مزیت‌هایی را در نظر گرفته بودیم که همه‌چیز برایشان جذاب باشد و بتوانیم پول خوبی را جذب کنیم. ما نمی‌خواهیم منفی‌بافی کنیم اما باید بگوییم همه سعی‌ها اشکال داشت. بورس نفت اگر قرار است درست شود باید برای تأمین سرمایه برای نفت باشد، نه برای خزانه.

بابک زنجانی‌ها در انتظار چنگ‌زدن به نفت

● غلامحسین حسنستان، کارشناس ارشد نفت

اولین‌باری که بحث بورس نفت مطرح شد، چهارشنبه‌ها در مرکز مطالعات انرژی با آقای زنگنه و برخی دیگر، جلساتی تحت عنوان اوپک و بازار نفت داشتیم که بسیاری چیزها در آنجا مطرح می‌شد. گفتیم اجازه بدهید در این زمینه مطالعه کنیم و نتیجه را اعلام کنیم. گفتند نه، بعد از مدتی به جلسه‌ای دعوت شدیم که آقای میرمطیعی، رئیس سازمان بورس اوراق بهادار آنجا بود. آقای میرمطیعی با قاطعیت عجیبی گفتند که ظرف شش ماه، بورس فرآورده‌های نفتی را راه می‌اندازند. در نهایت قرار شد بورس نفت راه بیفتد و آقای حاتمی‌پور هم مسئول شد که از طرف وزارت نفت، روی بورس انرژی نظارت داشته باشد. سال ۸۱، به‌دلیل مخالفت‌ها از مؤسسه مطالعات انرژی برکنار شدم. بعد از شش ماه بورس نفت محقق نشد. سال‌ها گذشت تا اینکه متوجه شدیم که با یک مؤسسه خارجی قراردادی بستند که مطالعاتی انجام دهند و بحث از فلاورده خارج شد و بحث قیوجرمارکت برای نفت خام طرح شد. هیچوقت مشخص نشد این دکوریسی از تحت فساردون تا تبدیل‌شدن به بورس نفت خام، چگونه حاصل شد. آن شرکت هم که مطالعه انجام داد، گفت چنین اتفاقی نمی‌تواند بیفتد. بعدها در زمان تحریم قبلی اعلام کردند بورس نفت ایرانی برای دورزدن تحریم است. الان هم همین موضوع را مطرح می‌کنند که با آن مواضع قبلی کاملا متفاوت است. متأسفانه در کشور، تمایل دارند که همه‌چیز را با تفکر سخت‌افزاری انجام دهند. همان‌طورکه زمانی ساختمان بورس نفت را در کیش راه‌اندازی کرده و برایش باور بودند که بورس نفت راه نداخته‌اند. درحالی‌که در ابتدا باید نرم‌افزارها و فکر پشت آن مشخص باشد.

عجیب است که معاون رئیس‌جمهور هم در همین دوره اخیر، همان حرف دورزدن تحریم‌ها با بورس نفت را تکرار کرد. نفت ایران به بازارهای جهانی قرار است صورت بگیرد. ترامپ به‌دنبال آن است که صادرات نفت خام ایران را تحریم کند. در ایران هم جایی جز شرکت ملی نفت، تولید نفت نمی‌کند. بنابراین تحریم به‌دنبال این نیست که فروش نفت ایران از شرکت ملی نفت را ممنوع کند، بلکه می‌خواهد صادرات نفت ایران را ممنوع کند؛ بنابراین فرقی نمی‌کند چه کسی این نفت را صادر کند. بحث بعد آنکه آیا ۳۵هزار بشکه را می‌توان صادر کرد؟ تحویل داده می‌شود؟ در حجمی تحویل داده می‌شود که در مخزن جای بگیرد؟

ممکن است یکی از بخش خصوصی توان خرید ۱۰۰هزار بشکه نفت را داشته باشد. فارغ از اینکه شبهه پرداخت از که به تزئیب باشد، چه نیازی است داخل بورس بود؟ شرکت ملی نفت، فروننده نفت‌های خام کشور است. حکم خریدار با شرکت ملی نفت قرارداد بستند و اقدام به فروش نفت کند. یکی از مهم‌ترین‌ها این بود که بین‌المللی نفت تعریف می‌کرد قشار فرآورده نفت را داخل بورس ببرند. به‌طور کاملا صوری محموله‌ای را که داشت معامله می‌شد، داخل بورس معامله کردند. جالب آنکه ناوجود اینکه همه می‌دانستند صوری است، بورس مدعی شده بود که هشت‌درصد ارزش افزوده از بورس انرژی آغاز شد. این پوشده و جعلا کماکان باقی مانده است. کار شدنی نیست. عدای از بابک‌زنجانی‌های جدیدی وجود دارند که به دنبال آن هستند چنگی به نفت خام بزنند. اینها همان کاسبان تحریم‌اند که می‌خواهند در شکل ظاهری بورس نفت خام را بگیرند و پول آن را هم بدهند تا می‌توانند با تمامی ابزارپرداخت، سود ببرند و بعد از شش ماه بختی را پول را بدهند تا بدهند.

مسئولان بدهیات نفتی و بورس رانی دامنه

● سعید اسلامی‌بیدگلی

دبیرکل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران

اگر از من به‌عنوان کارشناس سؤال کنند که این طرح موفق خواهد شد یا نه، دلیل بزرگتری برای اجرائی‌نشدن آن دارم. برخی مسئولان بدهیات از در حوزه نفتی و بورس نمی‌دانند. فرض کنید بخش خصوصی به اندازه ۳۵ میلیون بشکه اوراق داشته باشد، مگر می‌توانند نفت بگیرد و در بازار جهانی بفروشد؟ مگر به او نفت می‌دهند؟ احتمالا این اجازه را دارند که از شرکت ملی، نفت بگیرند و در بازارهای جهانی بفروشند. بنابراین نیاز وجود ندارد.

علاوه بر آنکه قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی که در بخش خصوصی وجود دارد، قابلیت‌های پایینی است و به عقیده من، بسترسازی در این زمینه باید در ابتدا صورت می‌گرفت و این تصمیم عجولانه دولت در شورای هماهنگی اقتصادی، اما واگرهای بسیار زیادی دارد. در نظام بین‌الملل، کسانی که در بورس قرار می‌گیرند، دو مسیر را طی می‌کنند. نخست مسیر کردیت با همان اعتبار است که براساس آن وارد معاملات می‌شوند؛ اما به فعالانی که وارد عرضه شدند، کردیت‌لاینی داده نشده است. نکته دوم، مبادلات پولی کماکان در ابهام است. به طور کلی اهداف راهبردی، اجرائی و عملیاتی در این مسیر مشخص نیست. علاوه بر آنکه پایش مسیرهای اجرائی که اکنون باید صورت بگیرد، رخ نداده است و طبق اصول، ارزیابی دو دهه‌ای که در بورس انجام شده، صورت نگرفته است. در حقیقت راه‌اندازی بورس نفت خام، راهکاری حرفه‌ای می‌خواهد که زیرساخت‌های آن اکنون فراهم نیست. علاوه بر آنکه با توجه به نبود توان بخش خصوصی برای پرداخت این ارقام، چنین معاملاتی باید در قالب کنسرسیوم انجام گیرد.

تقلب در قانون

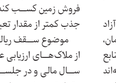

● علی شمس‌اردکانی، عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق ایران

وقتی می‌خواهید بفروشید، باید بخرید؛ یعنی باید به پایان برسید است. اما اگر یک بار فدایی بورس انرژی را می‌گیرید، یعنی دیگر فشار فرآورده نفت را داخل بورس ببرید. به‌طور کاملا صوری محموله‌ای را که داشت معامله می‌شد، داخل بورس معامله کردند. جالب آنکه ناوجود اینکه همه می‌دانستند صوری است، بورس مدعی شده بود که هشت‌درصد ارزش افزوده از بورس انرژی آغاز شد. این پوشده و جعلا کماکان باقی مانده است. کار شدنی نیست. عدای از بابک‌زنجانی‌های جدیدی وجود دارند که به دنبال آن هستند چنگی به نفت خام بزنند. اینها همان کاسبان تحریم‌اند که می‌خواهند در شکل ظاهری بورس نفت خام را بگیرند و پول آن را هم بدهند تا می‌توانند با تمامی ابزارپرداخت، سود ببرند و بعد از شش ماه بختی را پول را بدهند تا بدهند.

مسئولان بدهیات نفتی و بورس رانی دامنه

● سعید اسلامی‌بیدگلی

دبیرکل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران

اگر از من به‌عنوان کارشناس سؤال کنند که این طرح موفق خواهد شد یا نه، دلیل بزرگتری برای اجرائی‌نشدن آن دارم. برخی مسئولان بدهیات از در حوزه نفتی و بورس نمی‌دانند. فرض کنید بخش خصوصی به اندازه ۳۵ میلیون بشکه اوراق داشته باشد، مگر می‌توانند نفت بگیرد و در بازار جهانی بفروشد؟ مگر به او نفت می‌دهند؟ احتمالا این اجازه را دارند که از شرکت ملی، نفت بگیرند و در بازارهای جهانی بفروشند. بنابراین نیاز

زمین در سد مناطق آزاد

ابادر آذرپون . کارشناس ارشد دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد

در زمینه درآمد حاصل از اجاره زمین مندرج در برنامه اصلاحی سال ۱۳۹۶، سه سازمان منطقه آزاد قشم و کیش و چابهار به ترتیب با هشت میلیارد و ۷۳۰ میلیون تومان و هشت میلیارد و ۱۵۲ میلیون تومان و دو میلیارد تومان بالاترین رتبه را در میان هفت منطقه آزاد داشته‌اند و دو سازمان منطقه آزاد ارس و انزلی به ترتیب با درآمدهای صفر و ۲۵۰ میلیون تومان کمترین سهم ریالی را به خود اختصاص داده‌اند.

بالابودن این درآمد از این جهت که در این ردیف درآمدی، زمینی فروخته نشده است، می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر مناطق آزاد قلمداد شود. هرچند الگوی حاکم در کشورمان، عموما سرمایه‌گذاران اینها به تملک زمین و سپس سرمایه‌گذاری دارند. بنابراین امکان بسط و گسترش فضای سرمایه‌گذاری در اراضی اجاره‌ای به‌نحوی‌که جایگزین سرمایه‌گذاری در اراضی تملیکی شود، وجود ندارد.

بنابراین این سنجیه، برای مقایسه عملکرد مناطق آزاد با یکدیگر مناسب نیست و نمی‌توان گفت دو منطقه آزاد دیگری که به ترتیب ۷۰ میلیون تومان و ۲۵۰ میلیون تومان اجاره زمین دریافت کرده‌اند و بیش‌ترین رقم‌ها را به خود در بودجه اصلاحی سال ۱۳۹۶ اختصاص داده‌اند، ضعیف عمل کرده‌اند. بلکه این ارقام را باید با سایر ترکیبی دیگری محک زد تا مشخص شود بهترین درآمد حاصل از اجاره زمین (و نه بیشترین درآمد) متعلق به کدام منطقه آزاد بوده که در ادامه یادداشت به این نکته خواهم پرداخت.

درباره منابع حاصل از فروش زمین، سه سازمان منطقه آزاد کیش، قشم و چابهار به ترتیب با ۱۱۵میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، ۶۶میلیارد و صد میلیون تومان و ۴۰ میلیارد تومان بیشترین منابع حاصل از فروش زمین را در بودجه اصلاحی سال ۱۳۹۶ داشته‌اند و دو منطقه آزاد اروند و ماکو به ترتیب با پنج میلیارد تومان و شش‌میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان کمترین سهم ریالی را در مقوله فروش اراضی داشته‌اند. این موضوع چه معنایی دارد؟ آیا بهتر است سازمان‌های منطقه آزاد از آن سه سازمان اکنوردارای ثبت و به سقف ریالی بالایی از فروش زمین برسند؟ آیا اساسا جذب منابع بیشتر از محل فروش زمین خوب است؟ این موضوع به معنی ضعف و سردرگمی سازمان‌های منطقه آزادی است که سهم زمین آنها پایین بوده و کمترین عدد را به خود اختصاص داده‌اند؟

قبل از ادامه بحث لازم است یکسری به آمارها بیندازیم. فروش زمین هرساله از سوی وزرای عضو شورای‌عالی مناطق آزاد برای هر سازمان منطقه آزاد و به تفکیک، تعیین می‌شود و در نهایت بودجه مصوب در ابتدای سال مالی به سازمان‌های مناطق آزاد ابلاغ می‌شود؛ هرچند در نهایت منابع جذب‌شده حاصل از فروش زمین، به عملکرد مدیر عامل و اعضای هیئت‌مدیره هر سازمان منطقه آزاد مرتبط است. با توجه به سقف‌های تعیین‌شده در مصوبات بودجه برای فروش زمین، حتی اگر سازمان‌های مناطق آزاد تلاش یکسانی مبذول کنند، مجاز به تحصیل مبلغ یکسانی دریک سال از محل فروش اراضی نیستند. در واقع هیچ سازمان منطقه آزاد مجاز نیست که بیش از مقدار مشخص‌شده در بودجه مصوب، پول از رویه فروش زمین کسب کند؛ زیرا انحراف از بودجه قلمداد می‌شود؛ اما جذب کمتر از مقدار تعیین‌شده، منع قانونی ندارد.

موضوع سقف ریالی فروش زمین، به خودی خود صرفا یکی از ملاک‌های ارزیابی عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد در پایان سال مالی و در جلسات مجمع آنها به شمار می‌آید و تجاوز از مقدار تعیین‌شده از همان به‌اصطلاح انحراف از بودجه، می‌تواند به‌عنوان اولین ملاک منفی مورد توجه اعضای شورای‌عالی باشد. هرچند در نظر می‌رسد درباره بهتر یا سه سقف ترکیبی نیز توجه کرد.

در ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، کدام سازمان منطقه آزاد بهتر عمل کرده است؟ سازمانی که سقف ریالی فروش زمین را بر کرده یا سازمانی که کمتر از سقف ریالی تعیین‌شده زمین فروخته؟ با پاسخ به این سؤالات، منابع حاصل از فروش زمین یا آیا بسامد سهم ترکیبی مطرح‌شده، مناسب است؟

در یک نگاه ممکن است مطرح شود که به تناسب مقدار اراضی فروخته‌شده و مبلغ جذب‌شده در یک سال توجه شود؛ اما این ملاک، نسبت ترکیبی خوبی نیست؛ زیرا که اولا کاربری اراضی در قیمت آنها تأثیر مستقیم دارد و نمی‌توان با این ملاک، عملکرد منطقه آزادی را که اکثر اراضی آن با کاربری گردشگری فروخته شده‌اند، با عملکرد منطقه آزادی که اراضی آن با کاربری کشاورزی صنعتی فروخته شده‌اند، مقایسه کرد. ثانیا ارزش رایانی و قیمت اراضی در مناطق آزاد به طورکلی با یکدیگر تفاوت شگرفی دارند و به‌عنوان نمونه، ارزیابی عملکرد دو سازمان منطقه آزاد ماکو و کیش با این سنجه ترکیبی نتیجه درستی نخواهد داشت.

به نظر نگارنده با توجه به اهمیت ایجاد اشتغال، سنجه ترکیبی پیشنهادی برای عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد در زمینه فروش زمین، نسبت تعداد اشتغال ایجادشده به منابع حاصل از فروش اراضی از سوی هر سازمان است. هرچند نسبت تعداد اشتغال ایجادشده به متراژ زمین فروخته‌شده نیز می‌تواند ملاک نگارنده باشد؛ اما آماری که از زمان نگارش این یادداشت در اختیار نگارنده نبود تا بتواند به صورت مقایسه‌ای عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد را با یکدیگر تبیین کند.

میزان منابع حاصله در زمینه فروش اراضی صرفا یک داده آماری است و در مقایسه با تعداد اشتغال ایجادشده در همان اراضی یا حتی تولید مرتبط با آن اراضی می‌تواند سنجه ترکیبی مناسبی برای انتخاب موفق‌ترین سازمان منطقه آزاد در زمینه فروش اراضی باشد. با استخراج آمار و نهایتا نسبت تعداد اشتغال (در اراضی فروخته‌شده) در مقایسه با منابع (حاصل از همان اراضی فروخته‌شده) یا نسبت تعداد اشتغال ایجادشده در مقایسه با متراژ زمین فروخته‌شده، اعدادی تولید می‌شود که فارغ از کمیت منابع حاصله، کیفیت عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد را در اجاره‌بار به صورت مقایسه‌ای نشان خواهد داد. هر قدر این نسبت بزرگ‌تر باشد، به این معنی است که در اراضی فروخته‌شده اشتغال بیشتر ایجاد شده و در واقع این اراضی بهتر مورد بهره‌برداری واقع شده‌اند.

طبیعی است منطقه آزادی که سابقه ایجاد آن به سال ۱۳۷۲ بازمی‌گردد، میزان منابع حاصل از فروش زمین آن از نظر ریالی قابل مقایسه با منطقه آزادی که در سال ۱۳۸۹ ایجاد شده، نیست؛ اما با سنجه‌های ترکیبی پیش‌گفته عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد جدید و قدیمی بهتر و دقیق‌تر و حتی می‌توان گفت عادلانه‌تر مورد مقایسه قرار می‌گیرند. هرچند سازمان منطقه آزادی از نظر ریالی سهم کمتری را جذب کرده باشد و به‌اصطلاح صرفا سهم زمین در سد منابع آن کم‌رنگ‌تر جای باییترین باشد.

مرجع رسمی آمارهای مرتبط با فعالیت مناطق آزاد، دبیرخانه شورای‌عالی مناطق آزاد است و آمارهای این مرجع، بهترین ملاک ارزیابی عملکرد سازمان‌های مناطق آزاد هستند. بنا آمارها می‌توان فعالیت‌های سازمان‌های مناطق آزاد را در مقایسه با یکدیگر و همچنین در مقایسه با سرزمین اصلی مورد توجه قرار داد.

آمارهایی که با انعکاس بی‌طرفانه در مطبوعات، موجب پویایی بیشتر مناطق آزاد و دلگرمی مسئولان برتر در این حوزه می‌شود و صبه البته، تدوین شیوه‌نامه تشویق مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره برتر مناطق آزاد، می‌تواند به رقابت سالم در این حوزه منجر شده باشد. نکته پایانی که به نظر نگارنده می‌تواند آن چشم‌پوشی کرد، این است که درحال‌حاضر منابع حاصل از فروش زمین در هزینه‌های اجرای ارجحیه ویژه پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان سازمان‌های مناطق آزاد، صرف نمی‌شود که خود نقطه قوتی برای مناطق آزاد قلمداد می‌شود.

www.iranfic.ir

بهره‌برداری از اراضی در محدوده مناطق آزاد فرایندی متفاوت از سرزمین اصلی دارد. در ماده ۲۴ قانون چگونگی ادار